اشکال مستند دانستن قرائات به ضعف خط و جواب آن با استفاده از مباحث رسم المصحف

این اساتیدی که این کتاب –رسم المصحف- را نوشته اند، در دو جای کتابشان تهافت دارد. وقتی میخواهند قرائات را بگویند میگویند نزد شیعه تنها یکی از آنها برای خدا است، وقتی هم میخواهند قرائات را توجیه کنند میگویند خط مصحف خام بوده؛ بدوی بوده؛ ضعیف بوده، چه کار کنیم؟

وقتی میخواهند جواب بدهند میفرمایند: «در صدر اسلام بسیار ابتدائی، ناپخته، عاری از هرگونه نقطه، بوده». بعد میگویند اینکه تحریف نیست. الآن هم اگر متن را بیاورند هر کسی یک جور میخواند. بعداً هم در چهل و چهار موردی که میآورند میگویند «الناردکالمعدوم». صفحه 120 این کتاب مطلبی میگویند که وقتی دنبالش میروید برای شما مثل خورشید میشود و آن مطلبی که میگویند خط ناپخته بوده را در میکند. اصلاً برای شما واضح میشود که آن حرف درست نیست. یعنی چه که خط ناپخته بوده؟! خط ناپخته بوده، نقطه نداشته؟! بحمد الله در زمان ما با فاصله ده سال بین ۲۰۰۹-۲۰۱۹دو لوح درآمد که این دو لوح نقطه هم دارد. سنگ نوشته ای در خود عربستان بود برای زمخشری. ان شالله منابع آن را در فدکیه میگذارم. نقطه در آن زمان بوده، اصلاً مگر میشود که نباشد؟!

پیشنهاد من در پایان عرضم این است: فایل یک طرح تحقیقی را الآن باز کنید که آیا مصحف شریف را که به این صورت نوشته اند، بهخاطر خامی و ناپختگی خط بوده؟ یا تعمدی بوده؟ عدهای میگویند توقیفی است، عدهای طور دیگر میگویند . بحثهای مفصلی دارد که سر جایش بحث میکنیم.

در صفحه ۱۱۹ از کتاب رسم الصمحف این عنوان شروع میشود: «موارد دارای دو قرائت». خود ایشان آنها را سه دسته میکند، و حال آنکه با ناپختگی خط تنها یکی از اینها توجیه میشود. اینکه میگویم اگر دنبالش بروید واضح میشود، به این خاطر است. خود شما میفرمایید سه نوع رسم المصحف داریم که قرائات را پوشش میدهد، شما که خواستید از تحریف جواب بدهید با خامی خط تنها یکی از این سه را گفتید، خب دو مورد دیگر چه میشود؟!

خب این سه مورد چیست؟ «اول، مواردیکه دارای دو قرائت است و رسم تحمل هر دو قرائت را دارد. دوم، مواردیکه دارای دو قرائت است ولی در رسم تنها به یکی از آنها اشاره شده است. سوم، مواردیکه دارای دو قرائت است و برای هر قرائت نیز یک وجه جدا رسم شده است»؛ یعنی توضیح در مصاحف.

حاصلش این می‌شود: ان‌سخ عثمان وقتی می نوشته تعمد داشته، لذا امروزه در علوم قرآنی دو بحث داریم. اینکه در حقائق همه فرمودند، اصلاً درست نیست. در علوم قرآنی دو بحث جدا داریم؛ یکی بحث روایی است که به‌صورت جداگانه روایات آن را هم بررسی می‌کنیم؛ مربوط به خطای کاتب است. خطأ الکاتب فی النسخ و فی الکتابه؛ شیعه و سنی مفصل روایات دارند. یکی هم اختلاف مصاحف امصار است. اینها اصلاً دو بحث جدا است. ولو اشتراکاتی دارند. ولی دو بحث است. یعنی اختلاف مصاحف الامصار نزد قاطبه امت اسلام است، نه در یک حدیث یا در یک کتاب. اختلاف مصاحف امصار تا الان سر سوزنی میان امت برچسب خطا نخورده است. کسی هم تصحیح نکرده، که شما می‌فرمایید امت اسلامی تصحیح کرده است! کجا تصحیح کرده‌اند؟!

بنابراین دو بحث هستند؛ اختلاف مصاحف الامصار و خطأ الکتاب. اینها ربطی به هم ندارد و هر کدام بحث‌های مفصل جدا دارد.

شاگرد: برای دیدن قرائات یک آیه به چه کتابی مراجعه کنیم؟

استاد: مطالبی که معمولاً مطرح می‌شود نوعاً از قرائات سبع است. اولین کتاب در قرائات سبع که به‌راحتی مراجعه می‌کنید تیسیر است. یا النشر است. اگر هم سؤال شما جزء اصول باشد باید در اصول آن را پیدا کنید. اگر در فرش القرائات باشد ذیل همان سوره مبارکه است. بعض اصول را هم اشاره می‌کنند.

شاگرد۲: چقدر کتاب هست که باید مطالعه کنیم! امروز هم که شما اینها را معرفی کردید!

استاد: وقتی به عقیله برخورد کردم رفتم دنبالش. دیدم من چند سال است که یک بار هم به آن مراجعه نکرده‌ام. آن هم به‌عنوان منظومه شاطبی، آن هم برای این علم به این مهمی که خلاصه مقنع باشد. المقنع دانی در رسم المصحف کتاب مهمی است. این را به نظم در آورده است. کتاب درسی بوده. جعبری در دو جلد آن را شرح کرده است. شرح خیلی خوبی است. جعبری معاصر علامه حلی بود. خود شارح عقیله معاصر علامه بوده.

شما باوراتان نمی‌شود؛ من می‌دانم آن آقا چقدر کتاب لغت، ادبیات دیده است. حدود پانزده سال است خدمت ایشان هستیم. من گفتم شاطبیه، او گفت شاطبیه چیست؟! خودش هم بهت زده بود که من این همه در لغت و صرف و نحو و ... بودم اسمی از شاطبیه نشنیده بودم! این برای کار حوزه نقص است. بعد هم چیزهایی گفته می‌شود که درست نیست. مثلاً مرحوم جعفر مرتضی که بحر تحقیق هستند، می‌گویند امت اینها را تصحیح کرده‌اند. ای مرحوم اراکی می‌گویند دغدغه بعض فقها در این است؛ یعنی برای ایشان واضح بوده که «مالک» درست است. و حال آنکه در رسم المصحف از این طرفش واضح است. یکی از چیزهایی که یادم آمد این است: شما اولین مصحفی که «مالک» را با الف نوشته پیدا کنید. باید از آقای دکتر کریمی بپرسیم. ایشان تخصصشان است. در چه زمانی ان‌سخ در اولین مصحف،«مالک» که الف نداشته را با رسم المالئی با الف نوشته است؟ من که سنم کم بود در هر مصحفی که در یزد و قم بود «مالک» نوشته بود. آقای اراکی هم به همین خاطر می‌گفت وقتی در مصحف «مالک» نوشته شده دغدغه می‌کنید؟! یک کسی «ملک» خوانده، خب خوانده باشد. تعبیری به دغدغه خیلی واژه مهمی است. از این طرف مرحوم حکیم، آسید ابوالحسن اصفهانی همه «ملک» را ترجیح داده‌اند.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #2
ایجاد شده 2 مه 2024 13:58:41 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 ژوئن 2024 12:53:46 توسط ... .